



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بررسی جایگاه اهل بیت
در قرآن

دکتر سید محمد باقر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی جایگاه اهل بیت علیهم السلام در قرآن

نویسنده:

مجید معارف

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	بررسی جایگاه اهل بیت در قرآن
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	مقدمه
۱۵	زمینه تاریخی سؤال درباره امامان (ع)
۱۸	سخنی در طبیعت اجمالی قرآن
۲۰	زمینه‌های اجتماعی و سیاسی در قرآن
۲۳	جایگاه سبب نزول در فهم آیات تاریخی
۲۶	شخصیت اهل بیت (ع) در قرآن
۲۶	اشاره
۲۸	۱- فداکاری بزرگ در آستانه هجرت
۳۱	۲- اهل بیت رسول خدا (ص) در روز مباحله
۳۳	۳- صاحبان فرمان از نظر قرآن
۳۷	۴- کمال دین در پرتو ولایت
۴۲	۵- ولی و سرپرست مؤمنان
۴۵	۶- ابلاغ آخرین فرمان، تکمیل رسالت
۵۱	۷- منادی برائت از مشرکان
۵۴	۸- پیشتاز صحنه ایمان و جهاد
۵۶	۹- تعیین وصی در نخستین دعوت
۵۹	۱۰- اهل بیت پیامبر (ص) در کتاب خدا
۶۱	۱۱- پاداش رسالت
۶۵	۱۲- فضیلت انحصاری در انفاق ویژه

- ۱۳- شکوه ایثار ۶۸
- ۱۴- بهترین آفریدگان ۷۱
- ۱۵- کوثر رسالت، نسل پاینده ۷۳
- درباره مرکز ۷۷

بررسی جایگاه اهل بیت در قرآن

مشخصات کتاب

نام کتاب: بررسی جایگاه اهل بیت در قرآن

نویسنده: دکتر مجید معارف

موضوع: اعتقادات و پاسخ به شبهات

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: بهار ۱۳۸۷

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

اشاره

مقدمه

ص:۷

بنابر حدیثی که در کتب شیعه و اهل سنت آمده و همه بر صحت آن اتفاق نظر دارند رسول گرامی اسلام دو امانت بزرگ از خود به یادگار گذاشت. این دو امانت قرآن و اهل بیت او هستند که رسول خدا (ص) هدایت مسلمانان را در گرو مراجعه به آنان اعلام فرمود. در هدایت‌گری قرآن به ویژه برای پرهیزکاران تردیدی نیست، چراکه قرآن بینه ابدی پیامبر و راهنمای همیشگی مسلمانان است.

اما اهل بیت (ع) چه کسانی هستند و از نظر سیاسی و معنوی چه شئونی دارند که بر طبق حدیث ثقلین، هدایت قرآن با رهبری آنان گره خورده است. این نوشته بر آن است که با استفاده از قرآن و اخبار معتبری که در شأن نزول یا توضیح آیات قرآن وارد شده است، اطلاعاتی درباره مصادیق اهل بیت به دست دهد و

ص: ۸

خصوصاً درباره امامت حضرت علی (ع) و فرزندان او، نظر قرآن را روشن سازد. اهمیت این مباحث وقتی روشن می‌گردد که در نظر گیریم

اولاً امامت، مهم‌ترین اصل اعتقادی به شمار می‌رود؛

ثانیا نام امامان مذهب در قرآن کریم وارد نشده است.

ص: ۹

زمینه تاریخی سؤال درباره امامان علیهم السلام

زمینه تاریخی سؤال درباره امامان (ع)

مراجعه به برخی از روایات نشان می‌دهد که بحث در مورد امامان، از دیر باز بین مسلمانان مطرح بوده است. به عنوان مثال کلینی (رحم) در کتاب کافی حدیثی از ابوبصیر نقل کرده است که او گوید از امام صادق (ع) سؤال کرد مآیه أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ « النساء، ۵۹»
درباره چه کسانی نازل گردید؟

امام (ع) فرمود «این آیه در شأن علی (ع) و دو فرزندش حسن و حسین (ع) نازل گردید.»
ابوبصیر گوید باز سؤال کردم که مردم می‌گویند از چه جهت خداوند نام علی (ع) و خاندانش را نبرده است؟
امام صادق (ع) فرمود «در پاسخ به مردم بگویند دستور نماز خواندن بر رسول خدا (ص) نازل شد، در

ص: ۱۰

حالی که سخنی از سه رکعت و چهار رکعت در میان نبود، و این رسول خدا (ص) بود که رکعات نماز را تفسیر کرد. دستور پرداخت زکات نازل شد، اما در آن نیامده بود که از چهل درهم یک درهم بپردازید، و این رسول خدا (ص) بود که نصاب زکات را تفسیر کرد. دستور حج نازل شد در حالی که در آن نیامده بود که هفت نوبت طواف کنید، و این رسول خدا بود که مراسم طواف را تفسیر کرد. بر همین پایه فرمان خدا نازل گشت که «از خدا و رسول خدا اطاعت کنید و نیز از آنان که از بین شما صاحبان امر باشند.» که مصداق آن درباره علی و حسن و حسین (ع) ثابت و پایرجا ماند. زیرا در ارتباط با این دستور بود که رسول خدا (ص) فرمود «هر مؤمنی که من سرپرست و مولای او هستم، علی مولا و سرپرست او خواهد بود.» و باز فرمود «به شما مؤمنان سفارش می‌کنم که از کتاب خدا و خاندان من جدا مشوید، که من از خدا خواسته‌ام که میان قرآن و خاندانم جدایی نیفکند تا قیامت که بر حوض کوثر آنان را به من ملحق می‌سازد، و خداوند پذیرفت.» ... بدانید که اگر رسول خدا (ص) لب فرو می‌بست و خاندان خود را معرفی نمی‌کرد، خاندان فلان و بهمان مدعی می‌شدند که ما صاحب الامر

ص: ۱۱

شمایم.» «الکافی، ۱/۲۸۷.»

چنانکه ملاحظه می‌کنید در این حدیث امام صادق (ع) ضمن پاسخگویی به سؤال ابوبصیر، به مطلب مهم دیگری نیز اشاره کرده است و آن اشاره به طبیعت اجمالی قرآن از یک طرف و لزوم مراجعه به تفسیر و سنت رسول خدا (ص) در فهم مجملات قرآن از طرف دیگر است. و باید گفت که این حقیقتی است که نه تنها در عصر رسول خدا و امامان (ع) بلکه در هر دوره‌ای باید مورد توجه قرار گیرد.

سخنی در طبیعت اجمالی قرآن

قرآن کتابی است که در موضوعات مختلف اعتقادی، اخلاقی، تاریخی و ... سخن به میان آورده و مطالب مهمی را با مخاطبان خود در میان گذاشته است. و واضح است که سخن قرآن در بسیاری از زمینه‌ها سخنی کلی و به اجمال است که باید مورد تبیین و تفسیر قرار گیرد. اما این مطلب برای قرآن به هیچ عنوان نمی‌تواند نقیصه به شمار آید. « جهت آگاهی بیشتر در خصوص طبیعت اجمالی قرآن و در عین حال عدم نقیصه بودن این موضوع - خصوصاً از طریق مراجعه به آگاهان به معارف قرآن که رسول خدا ۹ و امامان: بوده اند - بنگرید به بحارالانوار، ۹۲ / ۱۰۰.

« زیرا در مورد کتابی که مدّعی است دربردارنده تمام حقایق و اسرار آفرینش است، نباید انتظار داشت که در عین حال مطالب خود را به شکل جزئی و تفصیلی طرح کرده باشد. آنچه مهم است درک این مطلب است که در حکمت الهی چه طرحی جهت تبیین حقایق قرآن و مطالب اجمالی آن اندیشیده شده است. اگر

ص: ۱۳

جهت یافتن این سؤال به قرآن مراجعه کنیم متوجه طرح قرآن به شکل زیر خواهیم گشت

۱- خداوند خود نخستین مفسر و مبین قرآن است.

۲- رسول خدا (ص) عامل تبیین قرآن برای مردم است.

در مورد اول خداوند خطاب به رسول خود می‌فرماید (فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَمِعْ لَهُ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْأَلْحَمْدُ) «القیامه، ۱۸-۱۹»

یعنی چون قرآن را بر تو خواندیم تو از قرائت آن پیروی کن. سپس بدان که بیان و توضیح آن نیز به عهده ماست.

از این آیه به دست می‌آید که خدای تبارک و تعالی علاوه بر نزول آیات قرآن به رسول گرامی، حقایقی هم به عنوان تبیین مطالب

قرآنی به آن حضرت وحی کرده است. و از این جهت پیامبر اسلام (ص) در حدیثی خطاب به مسلمانان فرمود «الا ائی قد اوتیت

القرآن و مثله معه.» «سنن ابن ماجه، ۶/۱، سنن ابی داود، ۴/۲۰۰»

یعنی آگاه باشید که به من قرآن و حقایقی مانند آن داده شد.

و اما در مورد دوم خداوند در سوره نحل فرموده است (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) «النحل، ۴۴» یعنی (ای رسول

ما) این ذکر (قرآن) را بر تو فرو

ص: ۱۴

فرستادیم تا برای مردم آنچه را که نازل شده تبیین نمایی.

رسول خدا (ص) با قول و فعل خود به تبیین مجملات قرآن اقدام می‌فرمود. مثلاً آن حضرت در مورد کیفیت انجام نماز به اصحاب خود فرمود «صلُّوا کما رأیتُمونی اصَلِّی.» «صحیح بخاری، ۱/ ۱۱۷» یعنی به همان گونه که نماز خواندن مرا مشاهده می‌کنید، نماز بخوانید.

در اینجا فعل رسول خدا (ص) در حکم تفسیر «اقیموا الصَّلٰوة» است. و در مواردی هم رسول خدا (ص) با سخن خود به توضیح مجملات قرآن اقدام می‌کرد که نمونه‌های آن در تفاسیر شیعه و سنی موجود است. آن حضرت به این ترتیب برخی از حقایق قرآن را در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه‌های سیاسی و اجتماعی - که اکنون مورد بحث است - با اصحاب و یاران خود در میان می‌گذاشت.

زمینه‌های اجتماعی و سیاسی در قرآن

از جمله موضوعاتی که قرآن به طرح آن عنایت فراوانی دارد، مسائل اجتماعی و سیاسی است. قرآن در این خصوص مسائل متنوعی را در باب امر به معروف و نهی از منکر، تعاون و همکاری، اتحاد و برادری مسلمانان، مبارزه و جهاد، امامت و رهبری، دفاع از مظلوم و ظلم

ص: ۱۵

ستیزی و ... طرح کرده و مسلمانان را با طبقات و گروه‌های اجتماعی از جمله مؤمنان، منافقان، اهل کتاب و معاندان و نیز ویژگی‌های اجتماعی و روانی هر گروه آشنا کرده است. بسیاری از زمینه‌های اجتماعی در قرآن، ترجمانی از تحولات سیاسی عصر رسول خدا (ص) است، اما روش قرآن در طرح این حوادث به گونه‌ای است که بدون آن که از اشخاص و مسببان حوادث نامی به میان آورد، به طرح آن حادثه یا ذکر ویژگی‌های افراد و جریاناتی پرداخته است که در مسیر آن حادثه دست داشته‌اند.

به عبارت دیگر آن قدر که در قرآن به شناخت جریان‌های اجتماعی و به اصطلاح تیپ‌شناسی توجه شده است، معرفی افراد و قهرمانان حادثه مورد توجه نیست. و چنانکه می‌دانیم در بین معاصران پیامبر (ص) تنها یک نفر با نام و نشان مورد نکوهش قرآن قرار گرفته که همان ابولهب است.

اینکه چرا در قرآن کریم معاصران پیامبر (ص) به شکل مبهم و اجمالی طرح شده‌اند، این خود دلایلی دارد که در رأس آن می‌توان از اهداف تربیتی قرآن و نیز حفظ جاودانگی قرآن و عدم تخصیص آیات قرآن به فرد و دوره خاصی اشاره کرد. چنانکه امام باقر (ع) در این مورد می‌فرماید

«اگر آن طور باشد که پس از مرگ قومی، آیه‌ای که در شأن آنان نازل شده نیز بمیرد، از قرآن

ص: ۱۶

چیزی باقی نمی‌ماند، لکن تا آسمان‌ها و زمین برقرار است، قرآن نیز جاری است و برای هر قوم آیه‌ای است که آن را می‌خوانند و از آن بهره نیک و بد دارند.» «تفسیر عیاشی، ۱ / ۲۱» اما در عین حال به دلیل ضرورت آشنایی بهتر با تاریخ اسلام و نیز شناخت افراد و عناصری که در مسیر تحولات مربوط به عصر نزول قرآن قرار داشته‌اند، دانشمندان اسلامی به ویژه مفسران قرآن هرگز از شناسایی افراد و جریاناتی که آیه یا آیاتی درباره آنها نازل شده غافل نبوده‌اند. دانشمندان در این خصوص دو علم را پایه گذاری کردند که ریشه هر دو علم، نقل و روایت‌های تاریخی است. یکی از این دو دانش علم مبهمات قرآن «الاتقان، نوع هفتم» نام دارد که به معرفی افراد و شخصیت‌های موجود در سرگذشت‌های قرآنی و نیز حوادث واقع در عصر نزول قرآن می‌پردازد. دانش دیگر، علم اسباب النزول است که در آن، زمینه‌ها و شرایطی که به نزول آیه یا آیاتی منجر شده است مورد تحقیق و مطالعه قرار می‌گیرد. طبعاً برای شخصی که به دانستن جزئیات وقایع تاریخی - خاصه از دید قرآن کریم - علاقه‌مند است، پی بردن به مبهمات قرآن و شناسایی با سبب نزول آیات، امری الزامی خواهد بود.

جایگاه سبب نزول در فهم آیات تاریخی

به عقیده دانشمندان علوم قرآنی آیات قرآن از جهت ارتباط با شرایط عصر نزول بر دو دسته تقسیم می‌گردد که عبارتند از الف- آیاتی که در پی طرح سؤال و یا وقوع حادثه‌ای نازل شده‌اند.

ب- آیاتی که ابتدائاً به عنوان هدایت مردم نازل شده و طرح سؤال یا وقوع حادثه‌ای در نزول آنها دخالت نداشته است. واضح است که پیدایش دانشی موسوم به «اسباب النزول» به دلیل وجود آیات دسته اول است. و در قرآن آیات متعددی وجود دارد که وقوع حوادثی موجب نزول آنها شده است. و به همین دلیل این آیات معرّف خوبی در تشریح آن حوادث و نیز شناخت افراد و گروه‌هایی است که در مسیر آن حوادث قرار داشته‌اند. چنانکه آگاهی بر آن حوادث می‌تواند زمینه بهتری جهت فهم مضمون و محتوای آیات قرآن در اختیار خواننده قرار داده و آنها را از جنبه طرح مسائل فرضی و سمبلیک خارج سازد. به عنوان مثال با مراجعه به سبب نزول سوره کوثر روشن می‌گردد که شخصی به نام عاص بن وائل در مکه به ملامت و استهزای رسول خدا (ص) می‌پرداخت و به این

ص: ۱۸

جهت که فرزندان ذکور آن حضرت زنده نمانده بودند و آن سرور فاقد پسر بود، ایشان را «ابتر»- مقطوع النسل- می خوانند. چنانکه با درک همین سبب نزول است که می توان مصداق «کوثر» را فاطمه زهرا (ع) دانست. زیرا علی القاعده آیات صدر و ذیل این سوره کوتاه نمی تواند بدون ارتباط و یا هماهنگی با یکدیگر باشد. به همین گونه مراجعه به سبب نزول بسیاری از آیات دیگر نیز معرفت ویژه‌ای از شخصیت افراد و جریانات صدر اسلام- و نیز جناح بندی‌های موجود در آن جامعه- به دست می دهد.

ناگفته نماند که در بین آیات دسته دوم نیز آیات فراوانی وجود دارد که گرچه سبب نزول ویژه- به معنایی که گفته شد- ندارد. اما در ذیل آنها روایاتی از پیامبر (ص) و یا امامان (ع) وارد شده است که خواننده با مقصود آن آیات- از جهت انطباق بر برخی از افراد و جریانات- آشنا می گردد، مثلاً پس از نزول آیه تطهیر، رسول خدا (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را فراخواند و با دعا در حق آنان به همگان فهماند که اهل بیت مصداقی جز آنان ندارند. اما به دلیل اهمیت دانش سبب نزول در فهم صحیح قرآن، علی (ع) در مقام معرفی خود می فرماید

«از من برسید، سوگند به خدا درباره چیزی از من نخواهید پرسید مگر آن که شما را از آن باخبر سازم. درباره کتاب خدا از من برسید. به خدا سوگند آیه‌ای نیست مگر آن که من آگاهم که در

ص: ۱۹

شب نازل شده یا در روز، در دشت نازل شده و یا در کوه.» «الاتقان، ۴/ ۲۳۳» و باز در سخن مشابهی فرمود «به خدا سوگند آیه‌ای نیست مگر آن که می‌دانم درباره چه موضوعی و در کجا نازل شده است.» «الاتقان، ۴/ ۲۳۳» شناخت سبب نزول با همه اهمیتی که دارد، در عین حال موضوعی اجتهادی و سلیقه‌ای نیست که با حدس و گمان همراه باشد، بلکه چنانکه گفته شد شناخت مبهمات قرآن و پی بردن به سبب نزول آیات، تنها از طریق مراجعه به نقل و روایت تاریخی امکان پذیر است. آن هم نقل و روایت صحیح و اطمینان بخش. زیرا در این حوزه نیز جعل و تحریف راه یافته و موجب پیدایش فضایل ساختگی برای افراد و گروه‌هایی در تاریخ اسلام شده است. در عین حال محققان توانسته‌اند با استفاده از روایاتی که از سوی امامان شیعه (ع) وارده شده و یا سبب نزول‌های صحیحی که از سوی صحابه پیامبر - که خود شاهد نزول آیات بودند- نقل شده، بخشی از حقایق مربوط به تاریخ اسلام را روشن سازند. و باید گفته که حساس‌ترین قضیه تاریخی در این زمینه، شناخت مقام و موقعیت اهل بیت پیامبر (ع) می‌باشد.

ص: ۲۰

شخصیت اهل بیت (ع) در قرآن

اشاره

بدون شك آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که ناظر به شخصیت و مقامات اهل بیت (ع) است، چنان که آیات متعددی نیز درباره دشمنان و مخالفان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نازل شده است. لکن چنانکه گفته شد مقاصد این آیات وقتی روشن می‌گردد که به روایات صحیحی که درباره سبب نزول آنها آمده است مراجعه شود و یا در صورتی که توضیح و تفسیری در خصوص مفاد آنها از معصومین (ع) وارد شده است، ملاحظه گردد. و به عبارت دیگر حقایق این آیات در پرتو تاریخ صحیح نگریسته شود. با چنین مبنا تعداد آیاتی که ناظر به امامت و وصایت علی (ع) بوده و یا مقامات و کمالاتی را برای اهل بیت (ع) اثبات می‌کند فوق شمارش است. چنانکه امام باقر (ع) در حدیثی فرمود «ثلث قرآن درباره ما و دوستان ما و ثلث دیگر درباره دشمنان ما نازل شده است»؛ «تفسیر عیاشی، ۱/ ۲۱»

مثلاً در ذیل آیه (ص) سوره مائده معروف به آیه

ص: ۲۱

ولایت در تفاسیر آمده است

«پس از آن که علی در حال رکوع انگشتر خود را به سائلی عطا نمود، این آیه درباره آن حضرت نازل گردید»، «الکشاف، ۱/

۶۴۹» و یا در ذیل آیه (ص) ۱ سوره آل عمران یعنی آیه مباهله آمده است که

«رسول خدا (ص) در جریان مباهله با مسیحیان نجران به اتفاق علی، فاطمه، حسن و حسین، به محل مباهله پا گذاشت و کس

دیگری همراه آن حضرت نبود» «مجمع البیان، ۲/ ۷۶۲»

و آیات فراوان دیگر که آشنایی با سبب نزول و یا تفسیر آنها، انسان را در جریان موقعیت سیاسی و معنوی اهل بیت (ع) قرار

می‌دهد. لذا بدون این که مطرح کرده باشیم که نام علی و فرزندانش (ع) به طور صحیح در آیات قرآن بوده و در نتیجه تحریف،

حذف شده است، بر این باوریم که مراجعه به توضیحات و یا سبب نزول‌هایی که در ذیل بسیاری از آیات وجود دارد ما را به خوبی

در جریان مقام و موقعیت اهل بیت (ع) قرار می‌دهد، مگر آن که انسان بخواهد با بی‌اعتنایی به روایات معتبر و به طور کلی

جریانات صحیح تاریخی، به مطالعه قرآن روی آورد که آن خود به نوعی زنده ساختن شعار انحرافی «حسینا

کتاب الله» خواهد بود.

ص: ۲۲

در این قسمت به بررسی آیاتی پرداخته می‌شود که یا سبب نزول آنها مبین فضیلتی برای اهل بیت (ع) است. و یا با توجه به روایات معتبر، پس از نزول، انطباقی جز با علی و اهل بیت او (ع) نیافته است.

۱- فداکاری بزرگ در آستانه هجرت

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ (البقره، ۲۰۷) «و از مردمان کسی هست که جان خود را در طلب خشنودی خدا می‌فروشد و خداوند به بندگان مهربان است.»

این آیه به مناسبت حادثه ليله‌المبیت نازل گردید. ليله‌المبیت شیعی است که در آن علی (ع) در بستر پیامبر (ص) آرامید تا آن حضرت با آرامش خاطر از مکه به مدینه هجرت کند. مفسران شیعه با استناد به روایات منقول از ائمه (ع) و یا اظهارات پاره‌ای از صحابه نزول آیه فوق را درباره علی (ع) مسلم می‌دانند. به عنوان مثال عیاشی به نقل از جابر و او از امام باقر (ع) آورده است که آیه

مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ

ص: ۲۳

بِالْعِبَادِ، درباره علی بن ابی طالب نازل گردید. و آنگاه که کفار قریش در صدد دستیابی به پیامبر (ص) و کشتن او بودند، علی (ع) در بستر پیامبر (ص) خوابید و بدین وسیله جان خود را تقدیم خدا و رسول او نمود. «تفسیر عیاشی، ۱/ ۱۲۰؛ و نیز بنگرید به تفسیر صافی، ۱/ ۲۴۱؛ نورالثقلین، ۱/ ۲۰۴؛ و بحارالانوار، ۳۶/ ۴۰-۵۰» طبرسی به نقل از ابن عباس نوشته است «این آیه، پس از خروج پیامبر (ص) از مکه به سوی مدینه و خوابیدن علی (ع) در بستر آن حضرت، در بین مکه و مدینه نازل گردید.» «مجمع البیان، ۱/ ۵۳۵» از دانشمندان اهل سنت نیز بسیاری نزول آیه ليله المبيت را در شأن علی (ع) تأیید کرده‌اند. از جمله ابن ابی الحدید از قول ابوجعفر اسکافی- از علمای قرن سوم- نوشته است «همه مفسران روایت کرده‌اند که آیه وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي ... به مناسبت خوابیدن علی (ع) به جای پیامبر (ص) در ليله المبيت، نازل شده است.» «شرح نهج البلاغه، ۱۳/ ۲۶۲؛ و نیز بنگرید به مفاتیح الغیب، ۵/ ۲۳۵؛ روح المعانی، ۲/ ۹۷» اسکافی همچنین معتقد است که آیه «ليله المبيت» تناسب خاصی با آیه سی‌ام سوره انفال دارد که خداوند در آن می‌فرماید

ص: ۲۴

(وَ إِذِ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُبْتُوكَ أَوْ يِقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ).

«به خاطر بیاور هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند تو را به زندان بیفکنند یا به قتل برسانند، و یا از مکه خارج سازند، آنها چاره می اندیشیدند و نقشه می کشیدند و خداوند هم تدبیر می کرد و خدا بهترین چاره جویان و تدبیر کنندگان است.»

وی می نویسد «مکر قریش آن بود که پای همه قبایل را در کشتن رسول خدا (ص) به وسط کشند و مکر خداوند نیز از طریق خوابیدن علی (ع) به جای پیامبر (ص) ظاهر گردید.» (شرح نهج البلاغه، ۱۳ / ۲۶۲) ابن ابی الحدید از قول اسکافی این مطلب را هم اضافه کرده است که «حدیث فراش (خوابیدن علی (ع) در بستر رسول خدا (ص))، جریان متواتری است که جز دیوانه و یا کافر آن را انکار نمی کند.» «همان» به دلیل همین فضیلت استثنایی برای علی (ع)، بعدها معاویه تصمیم گرفت تا با پرداخت چهار صد هزار درهم، سمره بن

جندب را راضی کند تا وی ادعا نماید که آیه وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي ... درباره ابن ملجم نازل شده است. «شرح نهج البلاغه، ۴ / ۷۳»

ص: ۲۵

سمره بن جندب به خواسته معاویه تن در داد، اما با توجه به فاصله نزول آیه با شهادت علی (ع) به دست ابن ملجم، جز افراد ساده لوح و بی خبر، کسی زیر بار روایت سمره نرفت.

۲- اهل بیت رسول خدا (ص) در روز مباحله

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ «آل عمران، ۶۱» یعنی هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسید (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنان بگو بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت کنیم، شما هم زنان خود را، ما نفوس خود را دعوت کنیم، شما هم نفوس خود را، آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

شرح و توضیح مباحله در اصطلاح دینی به معنای

نفرین کردن دو نفر به یکدیگر است. مراسم مباحله به این صورت است که افرادی که با هم در مطلبی اختلاف نظر دارند و در مقابل دلایل خود قانع نمی‌شوند در یک جا

ص: ۲۶

جمع شده، به درگاه خدا تضرع کنند و از او بخواهند که دروغگو را رسوا سازد. و اما جریان مباحله در تاریخ اسلام به این صورت است که

در سال دهم هجری هیتی از مسیحیان نجران به مدینه آمدند و با رسول خدا (ص) ملاقات و گفتگو کردند. در این دیدار بزرگان مسیحی - که قائل به الوهیت حضرت عیسی (ع) بودند - تولد آن حضرت بدون داشتن پدر را غیر ممکن اعلام کردند، اما در پاسخ آنها این آیه نازل گشت که «مَثَل عِيسَى نَزَدَ خُودِ هِمَانَدِ اَدَمِ اَسْتُ كِهْ خُودِ اَو رَا اَز خَاكِ اَفْرِيْدِ سِپَسِ بِهْ اَو فَرْمُوْدُ «مَوْجُوْدُ بَاشْ، وَ اَو مَوْجُوْدُ شُدْ. اِيْن حَقِيْقَتِي اَز جَانِبِ پَرُوْرْدِ گَارِ تُو اَسْتُ، بِنَابَرَايِنِ اَز تَرْدِيْدِ كِنَنْدِ گَانِ مَبَاشْ (كِهْ عِيسَى اَفْرِيْدِهْ خُودِ بَاشْدِ)».

علی رغم این پاسخ روشن، مسیحیان قانع نشدند. در اینجا آیه مباحله نازل گشت و پیامبر (ص) به امر الهی آنها را دعوت به مباحله کرد. طرفین موافقت کردند که روز بعد جهت انجام مباحله در محلی حاضر شوند. فردای آن روز پیامبر (ص) - در حالی که علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) به همراه او حرکت می کردند - به محل

مباحله حاضر گشت. اما گروه مسیحیان به هنگام مشاهده پیامبر (ص) و همراهان ایشان احساس کردند که در صورت مباحله احدی از آنها زنده نخواهد ماند، لذا به

ص: ۲۷

پیشنهاد بزرگ خود از مباحله صرف نظر کردند و مصالحه با پیامبر و پرداخت جزیه را ترجیح دادند. آنچه در جریان مباحله اهمیت دارد این مطلب است که مطابق آیه مباحله علی (ع) مصداق نفس پیامبر (ص) بوده و حسن و حسین (ع) به عنوان فرزندان رسول خدا (ص) قلمداد شده‌اند. از این رو امامان شیعه- بعدها- در برخورد با مخالفان خود، همه جا با استناد به آیه مباحله خود را پسران رسول خدا (ص) نامیده و بر دیگران افتخار کرده‌اند. جریان مباحله با شرحی که گذشت، از حوادث قطعی و متواتر تاریخ اسلام است که نه کسی اصل آن را مورد تردید قرار داده است و نه کسی در مورد همراهان پیامبر (ص) در روز مباحله، ادعای دیگری کرده است. این حادثه در تفاسیر شیعه و سنی و در بسیاری از کتب حدیث وارد شده است. «از جمله بنگرید به مجمع البیان، ۱/ ۷۶۲؛ تفسیر کشاف، ۱/ ۳۶۹؛ تفسیر القرآن العظیم، ۱/ ۳۷۹ و صحیح مسلم، ۴/ ۱۸۷۱»

۳- صاحبان فرمان از نظر قرآن

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ

ص: ۲۸

الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا) «النساء، ۵۹» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را از خودتان. و هرگاه در چیزی نزاع و اختلاف کردید، آن را به خدا و رسول او بازگردانید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

در آیه شریفه پس از اطاعت از خدا و رسول (ص)، سخن از اطاعت مؤمنان از «اولوالامر» به میان آمده و این اطاعت، اطاعتی مطلق و بی قید و شرط است. در این که اولوالامر چه کسانی هستند، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد. اهل سنت در تعیین مصداق اولوالامر به اختلاف سخن گفته و مصادیقی چون خلفای اربعه، امرای سیاسی، فرماندهان نظامی و علمای دین، قضات و ... را احتمال داده‌اند. «از جمله بنگرید به جامع‌البیان، ۹۵/۵، الکشاف، ۵۲۴/۱؛ روح المعانی، ۹۶/۴؛ تفسیر مراغی، ۷۳/۲؛ معالم التنزیل، ۴۴۵/۱ و تفسیر القرآن العظیم، ۵۲۹/۱

« در صورتی که به عقیده مفسران شیعه هیچ یک از مصادیق یاد شده در تفسیر اولوالامر صحیح نیست. دلیل این مطلب آن است که در آیه مذکور،

ص: ۲۹

اطاعت از اولوالامر در کنار اطاعت از خدا و رسول به شکل مطلق تکلیف شده است و این افراد جز در بین معصومان (ع) مصداقی ندارند. طبرسی پس از بیان اختلاف مفسران عامه در تعیین اولوالامر می‌نویسد

«اصحاب ما (شیعیان) از طریق امامان باقر و صادق (ع) روایت کرده‌اند که اولوالامر همان امامان از اهل بیت پیامبرند که خداوند اطاعت از آنان را به طور مطلق واجب کرده، همانگونه که اطاعت از خود و اطاعت از پیامبرش را واجب کرده است. علاوه بر آن جایز نیست که خداوند، اطاعت از کسی را به صورت مطلق واجب کند مگر کسی که عصمت او ثابت شود و باطنش همانند ظاهرش باشد و نیز از هر گونه سهو و غلط و کار زشت، مبرا و در امان باشد و چنین چیزی نسبت به امرا و یا دانشمندان غیر قابل حاصل است، لذا خداوند اجلّ از آن است که به اطاعت از معصیت کار و یا کسانی که از قول

و فعلشان انطباقی با هم ندارد، فرمان دهد.» «مجمع البیان، ۳/ ۱۰۰»

در بین اهل سنت، فخر رازی نیز وجود عصمت را لازمه اطاعت مطلق از اولوالامر دانسته و در این باره به روشنی استدلال کرده است، هر چند که در نتیجه گیری نهایی، این دانشمند به خطا رفته است. «مفاتیح الغیب، ۱۰/ ۱۴۴»

ص: ۳۰

زمخشری در تفسیر خود صاحبان امر را به امرای حق تفسیر کرده و می‌نویسد امرای جور که خداوند و رسول او از آنان بیزارند، هرگز نمی‌توانند در آیه- از جهت وجوب اطاعت از ایشان- عطف به خدا و رسول (ص) شوند «الکشاف، ۱/ ۵۲۴».

به طوری که گذشت روایات شیعه مصداق اولوالامر را به روشنی تعیین کرده است. به عنوان مثال کلینی در کتاب خود حدیثی از ابوبصیر نقل کرده که او گوید

از امام صادق (ع) سؤال کردم آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» درباره چه کسانی نازل گردید؟ امام (ع) فرمود «این آیه در شأن علی (ع) و فرزندانش حسن و حسین (ع) نازل گردید.» ابوبصیر

گوید باز سؤال کردم که مردم می‌گویند از چه جهت، خداوند نام علی (ع) و خاندانش را نبرده است؟ امام صادق (ع) فرمود «در پاسخ به مردم بگویید دستور نماز خواندن بر رسول خدا (ص) نازل گردید، در حالی که سخنی از سه رکعت و چهار رکعت در میان نبود، این رسول خدا (ص) بود که رکعات نماز را تفسیر کرد. دستور پرداخت زکات نازل شد، اما در آن نیامده بود که

ص: ۳۱

از چهل درهم یک درهم بپردازید و این رسول خدا (ص) بود که نصاب زکات را تفسیر کرد. و دستور حج نازل شد در حالی که در آن نیامده بود که هفت نوبت طواف کنید، این رسول خدا (ص) بود که مراسم طواف را تفسیر کرد. بر همین پایه فرمان خدا نازل گشت که «از خدا و رسول خدا اطاعت کنید و از کسانی که از بین شما صاحبان امر باشند نیز اطاعت کنید.» که مصداق آن درباره علی و حسن و حسین (ع) ثابت و پابرجا ماند. زیرا در ارتباط با این دستور بود که رسول خدا (ص) فرمود «هر مؤمنی که من سرپرست و مولای او هستم علی مولا و سرپرست او خواهد بود.» و ... بدانید اگر رسول خدا (ص) لب فرو می‌بست و خاندان خود را معرفی نمی‌کرد، خاندان فلان و بهمان مدعی می‌شدند که ما صاحب الامر شماییم.» «الکافی، ۱/ ۲۸۷؛ با اندکی تلخیص و نیز بنگرید به تفسیر عیاشی، ۱/ ۲۷۳؛ نورالثقلین، ۱/ ۴۹۷ الی ۵۰۷؛ و تفسیر الصافی، ۱/ ۴۶۲ الی ۴۶۵»

۴- کمال دین در پرتو ولایت

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) «المائدة، ۳» «امروز برای شما دینتان را کامل ساختم و نعمت

ص: ۳۲

خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین بر شما پسندیدم».

این آیه به فاصله اندکی پس از جریان غدیر خم نازل گردید. مقایسه مفاد آن با مفاد آیه تبلیغ گویای همین حقیقت است. زیرا در آیه تبلیغ، از ابلاغ فرمان خدا به مردم و ناقص شدن رسالت الهی در صورت عدم ابلاغ آن، سخن به میان آمده و در این آیه از کامل شدن دین خدا و تمام شدن نعمت الهی خیر داده شده است، لذا این دو مطلب با یکدیگر ارتباط دقیقی دارند که بر هیچ متدبری پوشیده نیست. مفسران شیعه به طور عام و از مفسران اهل سنت نیز عده‌ای این ارتباط را پذیرفته و در کتاب‌های خود مورد تصریح قرار داده‌اند. به عنوان مثال طبرسی آورده است «بنا به روایاتی که از امامین صادقین (ع) نقل شده، پس از آن که رسول خدا (ص) در روز غدیر خم، علی (ع) را به عنوان پیشوای مردم تعیین نمود، آیه اکمال نازل گردید. در این روایات همچنین آمده است این آخرین فریضه‌ای بود که خداوند نازل فرمود و پس از آن فریضه دیگری نازل نگشت. طبرسی سپس با ذکر سند، روایتی به نقل از ابوسعید خدری ذکر کرده است که پس از نزول این آیه رسول خدا (ص) فرمود

«الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و

ص: ۳۳

رضا الرب برسالتی و ولایه علی بن ابی طالب من بعدی و قال من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره و اخذل من خذله.» «مجمع البیان، ۳/ ۲۴۶؛ و نیز بنگرید به تفسیر عیاشی، ۱/ ۳۲۱؛ تفسیر تبیان، ۳/ ۴۳۵؛ المیزان، ۵/ ۲۷۸ الی ۲۸۳ و ۲۹۹ الی ۳۱۰؛ و الغدیر، ۲/ ۱۱۵ الی ۱۳۷» مفسران اهل سنت غالباً معتقدند که آیه اکمال در حجه الوداع و در روز عرفه نازل گردید و نزول آن پس از بیان مسائلی چون ابلاغ آخرین احکام حلال و حرام و به عبارتی کامل شدن دایره تشریح، آزادی خانه خدا از مظاهر شرک و بت پرستی و در نتیجه قطع نفوذ مشرکان از آنجا، انجام مناسک حج توسط رسول خدا (ص) و مسلمانان صورت گرفت و این امور موجب یأس کفار از

غلبه دوباره بر مسلمانان بوده است «از جمله بنگرید به جامع البیان، ۶/ ۸۰؛ فتح القدیر، ۲/ ۹؛ و تفسیر مراغی، ۶/ ۵۴» اما به دلایلی باید گفت که احتمالات یاد شده درباره نزول آیه اکمال، احتمالات نادرستی است از جمله

۱/ ۴- بسیاری از دانشمندان اهل سنت ارتباط آیه اکمال و ماجرای غدیر خم را پذیرفته و یا لااقل به عنوان یک احتمال در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند به طوری که علامه امینی، ۱ (ص) منع از منابع اهل سنت را در این

ص: ۳۴

خصوص معرفی کرده است. « الغدير، ۱۱۶/۲ الی ۱۲۵ و نیز المراجعات، ۱۸۸ ضمیمه ۶۲۷: آیه الاکمال» ۲/۴- اکثر مواردی که به عنوان مصادیق کامل شدن دین در تفاسیر اهل سنت به چشم می خورد- از جمله احکام حلیت گوشت‌ها، بیان حلال و حرام الهی، تشریح حج، آزادی خانه خدا از مظاهر بت پرستی و ...- یا از چنان اهمیتی برخوردار نیست که ارتباطی با کامل شدن دین پیدا کند و یا از مواردی است که از سال‌ها قبل از نزول آیه اکمال تحقق یافته بود.

۴- در آیه شریفه بحث از کامل شدن دین به میان آمده و این موضوع با یأس کامل کفار نسبت به مسلمانان پیوند خورده است. اما یأس و نومیدی کفار معنایی جز قطع نفوذ و سلطه آنان بر مسلمانان ندارد که این موضوع پس از روشن شدن وضع رهبری در امت اسلامی- آن هم بعد از رحلت رسول خدا (ص)- قابل حصول است.

۴/۴- عده‌ای از مفسران قائلند که رسول خدا (ص) پس از نزول آیه اکمال ۱ روز بیشتر زندگی نکرد. « مفاتیح الغیب، ۳/۶۳۶؛ روح المعانی، ۴/۹۱؛ تفسیر المنار، ۶/۱۱۶» با توجه به آن که مطابق پاره‌ای از روایات، وفات

ص: ۳۵

رسول خدا (ص) در دوازدهم ربیع الاول بوده است «الکافی، ۲/ ۳۲۴» نتیجه می‌شود که روز نزول آیه اکمال روز هجدهم ذی الحجه بوده است.

۴/ ۵- اکثر مفسران شیعه به ویژه علامه طباطبایی، نزول آیه اکمال را تحقق وعده الهی که در آیه ۵۵ سوره نور مطرح شده است، دانسته‌اند و می‌دانیم که در این آیه بحث از استخلاف مؤمنان بر زمین و استقرار دین الهی توأم با آرامش و امنیت صالحان است، که قطعاً نصب علی (ع) به پیشوایی مؤمنان مقدمه چنین حکومتی بوده

است. «المیزان، ۵/ ۲۸۳؛ تفسیر نمونه، ۴/ ۲۶۸» ۴/ (ص)- امام باقر (ع) از ولایت علی (ع) به عنوان آخرین فریضه نازل یاد کرده است. «تفسیر عیاشی، ۱/ ۳۲۱» در روایات دیگر تصریح شده است که اسلام بر پنج ستون استوار شده که آنها عبارتند از نماز، زکات، حج، روزه و ولایت «الکافی، ۲/ ۱۸» در تمام این روایات بر این مطلب تأکید شده است که ولایت به عنوان فریضه‌ای است که اولی و افضل بر سایر فرائض است.

۵- ولی و سرپرست مؤمنان

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) «همان، ۱۸/۲؛ باب دعائم الاسلام روایت ۵» همانا ولی و سرپرست شما خدا و رسول او هستند و نیز کسانی که ایمان آورده‌اند، همان‌ها که نماز بپا می‌دارند و در حالی که در رکوع به سر می‌برند زکات می‌دهند.»

این آیه، به آیه ولایت معروف است و در سبب نزول آن در تفاسیر شیعه و سنی آمده است که روزی فقیری وارد مسجد رسول خدا (ص) شد و از حاضران تقاضای کمک نمود، اما کسی توجهی به او نکرد. در این هنگام علی (ع) که در حال رکوع به سر می‌برد، به سمت فقیر اشاره کرد و بدین وسیله به او فهماند که انگشتری حضرت را برای خود بردارد و در اینجا بود که آیه «انما ولیکم الله و...» نازل گردید. «التبیان، ۳/۵۵۹؛ ۱/۳۵۵، تفسیر القرآن العظیم، ۲/۷۴؛ الکشاف، ۱/۶۴۹؛ معالم التنزیل، ۲/۴۹؛ و نیز بحارالانوار، ۱۸۳/۳۵ الی ۲۰۶» پاره‌ای از روایات تصریح می‌کند که نماز علی (ع) در آن لحظه به صورت نافله و مستحبی بوده است. «تفسیر عیاشی، ۱/۳۵۵؛ به نقل از عمار یاسر» بنا به

ص: ۳۷

روایتی از ابن عباس رسول خدا (ص) سرگرم وضو و آماده شدن جهت نماز بود که آیه «انما ولیکم الله و...» بر او نازل گردید، در اینجا بود که رسول خدا (ص) وارد مسجد گردید و از حال کسی که چنین انفاقی نموده است جويا گردید و متوجه شد که، چنین کسی جز علی (ع) نبوده است. «بحار الأنوار، ۳۵ / ۲۰۰» آیه ولایت از مهم‌ترین شواهدی است که دانشمندان شیعه با استفاده از آن امامت بلافصل علی (ع) را اثبات کرده‌اند. شروع آیه با تعبیر «انما» که مفید حصر است، ذکر ولایت مؤمنان زکات دهنده در طول ولایت خدا و رسول، مصداق انحصاری این مؤمنان به علی (ع) مطابق روایات معتبر شیعه و سنی، و بالأخره مفهوم ولایت در آیه که چیزی جز سرپرستی و رهبری نیست، همه و همه از قرائنی است که مبین امامت علی (ع) پس از پیامبر (ص) است. شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌نویسد «بدان که این آیه از واضح‌ترین ادله بر امامت بلافصل علی (ع) پس از پیامبر (ص) است، زیرا اولاً ثابت می‌گردد که کلمه ولی در آیه به معنای اولی و احق است و دیگر آن که ثابت شده است که مصداق «والذین آمنوا» کسی جز علی (ع) نیست و با اثبات این دو اصل، دلالت آیه بر امامت

ص: ۳۸

علی (ع) روشن و واضح است. «التبیان، ۳/ ۵۵۹؛ با اندکی تلخیص و نیز بنگرید به استدلال‌های علامه مجلسی در بحارالانوار، ۳۵/ ۲۰۳ الی ۲۰۶» در مورد آیه ولایت پرسش‌هایی مطرح شده است. از جمله آن که چگونه ممکن است علی (ع) در نماز به کاری غیر از راز و نیاز با پروردگار خود مشغول گردد؟ در پاسخ باید گفت حضور سائل در مسجد و تقاضای مکرر او از مردم برای کمک به وی، به طور طبیعی توجه هر کسی را جلب می‌کند. به ویژه آن که نماز علی (ع) در آن لحظه، نماز مستحبی بود و احسان به فقیر عبادتی است که اهمیت و ثواب آن کمتر از نماز نافله نمی‌باشد.

پرسش دیگر آن است که آیا اعطای انگشتری می‌تواند مصداقی از پرداخت زکات باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت در بسیاری از آیات قرآن تعبیر «زکات» به مفهوم شرعی و اصطلاحی آن- که اکنون رواج دارد- به کار نرفته است، بلکه زکات به معنای هر گونه انفاق و احسان در راه خداست. زکات به معنای شرعی در سال نهم هجری وضع شده و آیات قرآن و روایات صحیح‌السند گواه این مطلب است. «التوبه، ۱۰۳؛ و نیز الکافی، ۳/ ۴۹۷» لذا تعبیر

ص: ۳۹

زکات در فراز «ویؤتون الزکاه و هم راکعون» به معنای احسان علی (ع) به فقیر بوده است. پرسش بعد درباره الفاظ جمع موجود در آیه است. آن هم با توجه به آن که آیه ولایت اختصاصاً درباره علی (ع) نازل شده است.

در پاسخ به این پرسش، مفسران به بحث پرداخته‌اند از جمله زمخشری نوشته است
«اگر کسی بگوید چگونه صحیح است که آیه در

شان علی (ع) نازل شده باشد، در صورتی که لفظ «الذین» به صورت جمع به کار رفته است، خواهیم گفت در این آیه با آنکه آیه درباره یک فرد نازل شده، لفظ جمع به کار رفته است تا آن که سایر مردم نیز به چنین کاری ترغیب شوند و به ثوابی مانند ثواب علی (ع) دست یازند.» «الکشاف، ۱ / ۶۴۹»

البته سخن زمخشری، سخن درستی است لکن تاریخ سراغ ندارد که پس از علی (ع) نیز کسی در حال رکوع به چنین کاری دست زده باشد.

۶- ابلاغ آخرین فرمان، تکمیل رسالت

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ

ص: ۴۰

لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) «المائده، ۶۷» «ای رسول (ما) آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان. و اگر چنین نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای. و خداوند تو را از (خطر) مردم حفظ می‌کند. خداوند جمعیت کافران را هدایت نخواهد کرد.»

این آیه با توجه به فراز (بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ) به آیه تبلیغ یا آیه ابلاغ معروف شده است. مفسران شیعه و بسیاری از مفسران اهل سنت تصریح کرده‌اند که آیه تبلیغ در سفر حجه‌الوداع بر پیامبر (ص) نازل گردید. و با نزول آن رسول گرامی اسلام (ص) علی (ع) را به جانشینی خود منصوب فرمود. «از جمله بنگرید به تفسیر قمی، ۱/ ۱۷۱؛ تفسیر عیاشی، ۱/ ۳۶۰ الی ۳۶۲؛ التبیان، ۳/ ۵۸۸؛ مجمع البیان، ۳/ ۳۴۴؛ الصافی، ۲/ ۵۱ الی ۷۱؛ مفاتیح الغیب، ۱۲/ ۵۰؛ غرائب القرآن، ۲/ ۶۱۶؛ الدرالمثور، ۲/ ۲۵۹؛ و نیز روح المعانی، ۶/ ۱۹۵

«بنابر آنچه اکثر این مفسران آورده‌اند؛ پس از بازگشت رسول خدا (ص) از حجه‌الوداع- که در آخرین سال حیات آن حضرت به وقوع پیوست- در منطقه‌ای به نام غدیر خم جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل گردید و این آیه را از طرف خداوند آورد که «ای پیامبر! آنچه از جانب

ص: ۴۱

پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن، اگر این کار را نکردی، رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای.»

با نزول این آیه رسول خدا (ص) به مسلمانان دستور توقف داد و پس از برپایی نماز ظهر به ایراد خطبه پرداخت. در این خطبه رسول خدا (ص) از بی‌اعتباری دنیا و نزدیک بودن رحلت خود سخن به میان آورد. آن حضرت سپس حدیث ثقلین را ایراد فرمود و مردم را به

حفظ حقوق اهل بیت (ع) سفارش کرد، آنگاه دست علی (ع) را گرفت و به طوری که همه مردم بتوانند مشاهده کنند سؤال کرد «ای مردم، چه کسی از اهل ایمان به آنان سزاوارتر است؟» مردم گفتند خدا و رسولش داناترند. رسول خدا (ص) فرمود «همانا خدا مولای من است و من مولای مؤمنین هستم و اولی و سزاوارترم بر آنها از خودشان، پس هر کسی که من مولای اویم، علی مولای او خواهد بود.» حضرت این سخن را سه بار و به قولی چهار بار تکرار کرد و سپس دست به دعا برداشت و فرمود «بار خدایا دوست بدار کسی که او (علی) را دوست بدارد و دشمن بدار کسی که او را دشمن بدارد و یاری فرما یاران او را و خوارساز خوارکنندگان او را.» در این هنگام جمعیت گروه گروه جلو آمدند و ضمن بیعت با

ص: ۴۲

علی (ع) این واقعه را به او تبریک گفتند. «الغدیر، ۱/ ۲۹ الی ۳۴؛ سیره المصطفی، ۶۹۳؛ تفسیر عیاشی، ۱/ ۳۶۰» از آنچه گذشت روشن می‌گردد که مفاد «ما انزل الیک» چیزی جز اعلام ولایت علی (ع) نبود. و این موضوع قبلاً- از طریق وحی غیر قرآنی- به رسول خدا (ص) گوشزد شده بود. عیاشی در روایتی از قول ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری آورده است «خداوند به پیامبر خود فرمان داده بود که علی (ع) را به جانشینی خود منصوب سازد و مردم را از ولایت او باخبر نماید، اما پیامبر (ص) نگران بود که مردم بگویند او از پسرعموی خود حمایت کرده و در نتیجه سر به طغیان گزارند؛ تا آن که خداوند آیه (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ...) را نازل ساخت و پس از آن پیامبر (ص) در روز غدیر ولایت علی (ع) را اعلام فرمود.» همان، ۱/ ۳۶۰؛ و نیز مجمع البیان، ۳/ ۳۴۴؛ از قول حاکم حسکانی در شواهد التنزیل «لذا آیه تبلیغ مهم‌ترین دلیل بر اثبات امامت بلا فصل علی (ع) در قرآن است که جای تردید برای حق طلبان باقی نمی‌گذارد. با این وجود برخی از مفسران اهل سنت کوشیده‌اند تا با توجیهاتی آیه تبلیغ را از پیام اصلی آن منصرف سازند مثلاً برخی گفته‌اند که آیه تبلیغ در مکه نازل گردید و با نزول آن رسول خدا (ص) مکلف گردید

ص: ۴۳

تا بدون هیچ واژه حقایق اسلام را به کفار و مشرکان ابلاغ نماید. «الکشاف، ۱/ ۶۵۹؛ المنار، ۶/ ۴۶۷» با آن که این مفسران می‌دانند که سوره مائده از سوره‌های مدنی است که در پایان عمر رسول خدا (ص) نازل شده و قول به مدنی بودن آیه تبلیغ نیز از شهرت زیادی در تفاسیر اهل سنت برخوردار است. «تفسیر القرآن العظیم، ۲/ ۸۱؛ البحر المحیط، ۴/ ۳۲۱؛ مفاتیح الغیب، ۱۲/ ۵۰» برخی دیگر گفته‌اند که آیه تبلیغ در مدینه نازل گردید، اما هدف از نزول آن ترغیب رسول خدا (ص) در ابلاغ حقایق وحی به یهود و نصاری بوده است. «مفاتیح الغیب، ۱۲/ ۵۰؛ البحر المحیط، ۴/ ۳۲۱؛ التحریر و التنویر، ۶/ ۲۵۵» غافل از آن که پس از درگیری‌های مسلمانان با یهودیان در جنگ‌های بنی قریظه و خیبر، قدرت و شوکت یهودیان در هم شکسته شد و مسیحیان نیز از همان ابتدا در عربستان فاقد قدرت بوده‌اند و حداکثر مقابله مسلمانان با آنان، ماجرای مباحله بود که آن هم منتفی گشت. «آل عمران، ۶۱» بنابراین در سال‌های پایانی عمر رسول خدا (ص) موجبی جهت نگرانی پیامبر (ص) از یهود و نصارا وجود نداشت، تا پیامبر (ص) از ابلاغ حقایق اسلام به آنان واژه کند.

مهم‌ترین تشکیک وارده در آیه تبلیغ به تفسیر کلمه «مولا» باز می‌گردد. عده‌ای از مفسران اهل سنت معتقدند

ص: ۴۴

که در حدیث «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» مولا به معنای دوست و یاور است نه رهبر و اولی به تصرف، از جمله صاحب تفسیر المنار می‌نویسد

«حدیث غدیر خم بر ولایت سلطه که عبارت از امامت یا خلافت است، دلالتی ندارد، زیرا این لفظ به این معنی در قرآن وارد نشده است، بلکه مراد از ولایت در

این حدیث ولایت نصرت و موذت است که در قرآن هم وارد شده است.» «المنار، ۶/ ۴۶۵؛ با اندکی اختصار» در نقد این نظر باید گفت لفظ مولا، لفظی مشترک است که بر معانی متعددی قابل حمل است، اما قراین موجود در حدیث غدیر، تعیین کننده مفهوم واقعی مولا می‌باشد. این قرائن متعدد است که برخی از آن‌ها عبارتند از

(ص) / ۱- کاربرد کلمه «مولا» در قرآن به مفهوم «اولی» «الحدید، ۱۵» بر خلاف نظر صاحب المنار،

(ص) / ۲- نزول آیه تبلیغ قبل از معرفی علی (ع) آن هم با پیام تند/ ان لم تفعل فما بلّغت رسالته

(ص) / - توقّف مسلمانان در منطقه غدیر توسط رسول خدا (ص)،

(ص) / ۴- خطابه پیامبر اسلام (ص) در غدیر خم و

ص: ۴۵

زمینه‌چینی آن حضرت از جمله طرح ولایت خود و سفارش به حقوق اهل بیت (ع)،

(ص)/۵- نزول آیه اکمال دین پس از این ماجرا،

(ص)/ (ص)- احتجاج علی (ع) به واقعه غدیر جهت اثبات اولویت خود نسبت به دیگران.

(ص)/- زنده ماندن واقعه غدیر در تاریخ اسلام و بزرگداشت آن به عنوان عید بزرگ، توسط مسلمانان. « منابع و مطالب تفصیلی را

بنگرید در الغدیر، ۲/ ۸۸ الی ۱۱۴ »

۷- منادی برائت از مشرکان

(وَ أَذَانُ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ) « التوبه، ۳ » یعنی « و این اعلامی است از

جانب خدا و رسول او به مردم در روز حج اکبر (عید قربان) که خداوند و رسول او از مشرکان بیزارند. »

شرح و توضیح چنانکه می‌دانیم سوره توبه بدون بسم الله ... نازل گردید تا مظهری از قهر و غضب الهی را نسبت به مشرکان به

نمایش گذارد. ده آیه نخست این سوره خصوصاً، نشان دهنده چنین مطلبی است و بیزاری صریح خدا و رسولش را نسبت به

مشرکان نشان می‌دهد. پس از

ص: ۴۶

نزول این آیات، رسول خدا (ص) این آیات را به ابوبکر داد و وی را برای قرائت آنها در جمع مشرکان روانه مکه ساخت. اما هنوز ابوبکر از میدنه دور نشده بود که جبرئیل (ع) نازل گشت و این پیام را نازل کرد که «أَنَّهُ لَنْ يُؤَدِّيَ عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ». یعنی

«این کار را غیر از تو یا کس دیگری که از تو باشد، کسی ادا نخواهد کرد.»

در این هنگام رسول خدا (ص) علی (ع) را به دنبال ابوبکر فرستاد و به او دستور داد که آیات سوره توبه را از وی بگیرد و روانه مکه گردد. ابوبکر به مدینه بازگشت و دلیل این کار را از پیامبر (ص) جویا گردید. رسول خدا (ص) برای وی توضیح داد که تغییر مأموریت به دستور الهی صورت پذیرفته است. «بحار الأنوار، ۲۸۹ / ۳۵ الی ۳۱۲؛ در نزول سوره برائت» مطلب فوق به شرحی که گذشت مورد قبول اکثر مفسران اهل سنت قرار دارد «از جمله بنگرید به تفسیر القرآن العظیم، ۲ / ۳۴۶؛ مفاتیح الغیب، ۱۵ / ۳۱۸؛ فتح القدر، ۲ / ۳۳۴؛ روح المعانی، ۱۰ / ۴۴ و» و این بزرگان در تفاسیر خود آورده‌اند که علی (ع) پس از حضور در جمع مشرکان آیات نخست سوره توبه را قرائت کرد و علاوه بر آن، آنان را در جریان مهلت الهی به مشرکان قرار داد، مهلتی که بر اساس آن مشرکان تنها چهار ماه فرصت داشتند که

ص: ۴۷

با آزادی در مسجدالحرام رفت و آمد کنند و واضح است که اعلام چنین پیامی - آن هم به صورت علنی - تا چقدر مهم و مخاطره آمیز بوده است. آنچه در این ماجرا از اهمیت برخوردار است مسأله توانایی بر انجام چنین مأموریتی است که تنها در عهده رسول خدا (ص) یا مردی

از وی قرار داده شده است و تعبیر «رجل منک» اشاره بر همین مطلب دارد.

برای آن که حقیقت این تعبیر روشن گردد در مقام توضیح باید گفت که در عهد جاهلیت قرارها و پیمان‌هایی بین افراد و قبایل عرب منعقد می‌گردید که هر کدام حقوق و تعهداتی را برای طرفین پیمان به وجود می‌آورد. مثلاً اگر شخصی خطاب به دیگری این جمله را به زبان می‌آورد که «انت منی و انا منک» وی با ذکر این جمله در واقع اتصال روحی و معنوی خود را نسبت به او اعلام کرده بود و بر اساس چنین تعبیری طرفین متعهد می‌شدند که مواقع خطر به حمایت از یکدیگر برخیزند و از هیچ گذشت و فداکاری نسبت به همدیگر فروگذار نکنند و چنانکه می‌دانیم میان پیامبر و علی (ع) چنین نسبتی برقرار گردید و بر اساس همین تعهد بود که علی (ع) در شب هجرت پیامبر (ص) در بستر آن حضرت قرار گرفت تا آن حضرت به مدینه مهاجرت کند و یا در تمام جنگ‌ها دفاع از پیامبر (ص) را نصب العین خود قرار

ص: ۴۸

داد، چنان که رسول خدا (ص) نیز در بین یاران خود تنها علی (ع) را به عنوان برادر خود انتخاب کرد و از هیچ فرصتی جهت اعلام حقوق و صلاحیت‌های وی فروگذار نکرد، به هر حال اتحاد روحی پیامبر (ص) و علی (ع) به حدی رسید که مطابق آیه مباحله، علی (ع) نفس

پیامبر (ص) قلمداد گشت و واجد تمام صلاحیت‌ها و اختیارات رسول خدا (ص) شناخته شد و از این رو در اعلان آیات نخست سوره توبه از جانب خداوند این خطاب رسید که «أَنَّهُ لَنْ يُؤَدِّيَ عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ» و رسول خدا با اعزام علی (ع) به این مأموریت دشوار، به همگان نشان داد که چه کسی قادر است به جای وی قرار گرفته و دقیقاً کارهای وی را دنبال نماید. «جهت اطلاع بیشتر بنگرید به یادنامه علامه امینی، مقاله «حسین منی و انا من حسین» از استاد محمدباقر بهبودی»

۸- پیشتاز صحنه ایمان و جهاد

(أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) «التوبه، ۱۹» یعنی «آیا سیراب کردن حاجیان و آباد ساختن

ص: ۴۹

مسجدالحرام را همانند (کار) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ این دو، هرگز نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند.»

این آیه به آیه سقاییت یا آیه مفاخره معروف است. شأن نزولی دارد که مفسران شیعه و قریب به اتفاق مفسران اهل سنت به نقل آن پرداخته‌اند به این صورت که روزی دو تن از بزرگان قریش به نام‌های طلحه بن شیبه یا شیبه و عباس بن عبدالمطلب با هم سخن گفته و به تفاخر نسبت به یکدیگر مشغول بودند. عباس می‌گفت من دارای امتیازی هستم که کسی از آن بهره ندارد و آن آب دادن به حجّاج است. در مقابل شیبه می‌گفت من کلیددار خانه‌خدا و تعمیر کننده آن هستم. در این هنگام علی (ع) وارد شد و چون در جریان این افتخارات قرار گرفت رو به آنان کرد و گفت «من در مقابل شما حیا می‌کنم. اما باید بگویم که با این سن کم، افتخاری دارم که شما از آن بی‌بهره‌اید» آنها پرسیدند چه افتخاری؟ حضرت فرمود «من با شمشیر با شما جهاد کردم تا به خدا و رسول او (ص) ایمان آورید.» «مجمع البیان، ۵/ ۲۳؛ به نقل از شواهد التنزیل» و مطابق روایت دیگر علی (ع) پس از مشاهده تفاخر آن دو به یکدیگر، گفت «نمی‌دانم شما چه

ص: ۵۰

می‌گویید، من به سوی این قبله، قبل از شما و قبل از تمام مردم، به شش ماه، نماز خواندم، من صاحب جهادم». «همان مأخذ» در ادامه این روایت آمده است که عباس پس از شنیدن پاسخ‌های علی (ع) خشمگین شد و به نزد رسول خدا (ص) رفت و ماجرا را تعریف کرد. پیامبر (ص) به دنبال علی (ع) فرستاد و از او در این باره سؤالاتی کرد. در این هنگام جبرئیل (ع) نازل گردید و این آیه را آورد که «آیا سیراب کردن حاجیان و آباد ساختن مسجدالحرام را همانند (عمل) کسی قرار داده‌اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟...» و در آیه بعد نیز خداوند فرمود «آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند مقامشان نزد خدا برتر است و آنها همان رستگارانند.» «التوبه، ۲۰؛ و نیز بنگرید به تفسیرالقرآن، ۲/ ۲۴۱؛ اسباب النزول واحدی ذیل آیه ۱۹ توبه»

۹- تعیین وصی در نخستین دعوت

(وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) «الشعراء، ۲۱۴» یعنی «و خویشاوندان نزدیک خود را انداز کن.»

ص: ۵۱

شرح بر اساس آنچه در تاریخ‌های معتبر آمده است، رسول خدا (ص) تا سه سال به صورت مخفیانه دعوت می‌کرد، اما به دنبال نزول آیه (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ

الْأَقْرَبِينَ)، پیامبر (ص) مأمور شد که دعوت خود را علنی سازد و در این راه از خویشان و اقربای خود آغاز کند.

رسول خدا (ص) به همین منظور خویشان خود را دعوت فرمود و پس از چند جلسه پذیرایی دعوت خود را با آنان در میان گذاشت.

طبری مورخ بزرگ اهل سنت ماجرای این دعوت را به نقل از علی (ع) که خود شاهد وقایع بوده به این شکل نقل می‌کند (ع) «در آن جمع رسول خدا (ص) رو به قوم خود کرد و گفت به راستی من خیر دنیا و آخرت را برای شما آوردم و خدای تبارک و تعالی به من فرمان داده است که شما را به آن دعوت کنم. پس کدامیک از شما مرا در این کار یاری و همراهی می‌کند که در این صورت او برادر من، وصی من و جانشین من در بین شما باشد؟» علی (ع) در ادامه می‌فرماید «پس بستگان پیامبر (ص) همگی روی گرداندند. اما من در حالی که از همه کوچکتر بودم. بپا خاستم و گفتم «ای پیامبر خدا، من یار و وزیر شما در این کار خواهم شد. در اینجا پیامبر (ص) گردن مرا گرفت و خطاب به آن جمع گفت این شخص برادر من، وصی من

ص: ۵۲

و خلیفه من در بین شماست. سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید. در اینجا آن جماعت در حالی که می‌خندیدند، برخاسته، خطاب به ابوطالب گفتند به تو

دستور داد که فرمان پسر را بشنوی و از او اطاعت کنی! « تاریخ طبری، ۲ / ۳۲۱؛ و نیز مجمع البیان، ۷ / ۳۲۲ » مطلب فوق جریان مشهوری است که با نقل‌های مکرری در کتب اهل سنت آمده است. در یکی از این روایات در تاریخ طبری آمده است؛ روزی شخصی به علی (ع) گفت ای امیر مؤمنان، با چه ملاکی تو وارث پسر عموی خود شدی و حال آن که عموی تو عباس نتوانست در مقابل تو ادعایی کند؟ علی (ع) برای آن شخص ماجرای علنی شدن دعوت پیامبر (ص) و معرفی او را در آن روز شرح داد و سپس یاد آور شد که به این دلیل بود که پس از مرگ رسول خدا (ص)، من وارث او شدم نه عموی من. « تاریخ طبری، ۲ / ۳۲۲ » با تأمل در روایتی که گذشت دو مطلب مهم به شرح زیر فهمیده می‌شود

۱- خویشان رسول خدا (ص) دعوت پیامبر (ص) را به یک حادثه ناپایدار و گذرا بیشتر تصور کردند تا امری پایدار و ماندنی. چه، اگر احتمال موفقیتی برای رسول

ص: ۵۳

خدا (ص) می‌دادند بعید نبود که از باب آینده‌نگری و حفظ منافع قومی و قبیله‌ای، برخی به رسول خدا (ص) ایمان آورند.

۲- بیان موقعیت علی (ع) به عنوان برادر، وصی و جانشین رسول خدا (ص) از همان آغاز مورد توجه خدا و رسول (ص) بوده است و از این رو دعوت مردم به اصل دین با معرفی علی (ع) به عنوان جانشین آینده رسول گرامی همراه بود.

۱۰- اهل بیت پیامبر (ص) در کتاب خدا

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلِي الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً « الاحزاب، ۳۳ یعنی «جز این نیست که خداوند اراده فرموده تا زشتی و پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را از هر جهت (و از هر شائبه‌ای) پاک سازد.»

شرح و توضیح مفاد این آیه بدون هیچ تردیدی اثبات کننده عصمت برای اهل بیت (ع) است. زیرا تعبیر «رجس» در آیه به معنای آلودگی فکری و روحی است نه آلودگی جسمی و ظاهری. پاک کردن آلودگی جسمی

ص: ۵۴

توسط هر شخصی امکان پذیر است و نیاز به اراده خداوند آن هم با قید انحصاری «انما» ندارد. ضمناً در آیه شریفه بحث از اعمال اراده خداوند درباره گروه خاصی به نام اهل بیت پیامبر (ص) است و بحث مهم در این آیه تعیین مصادیق اهل بیت است که البته در زمان نزول آیه جز علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)، نبوده‌اند. ممکن است کسانی تصوّر کنند که چون قبل و بعد از آیه تطهیر در سوره احزاب، سخن از همسران رسول خدا (ص) به میان آمده، آنان نیز علی القاعده مشمول تعبیر «اهل بیت» قرار گرفته و با مصادیق ذکر شده در شئونی چون عصمت شریک باشند، اما این تصوّر به دلایل متعددی درست نیست، از جمله روایت‌هایی که در کتب اهل سنت آن هم از جانب برخی از همسران رسول خدا (ص) وارد شده، نشان می‌دهد که این آیه فقط در شأن علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) نازل شده است، نه کس دیگر. از جمله ترمذی در کتاب سنن خود از امّ سلمه روایت می‌کند که او گفت آیه تطهیر در خانه من نازل شد و در پی آن رسول خدا (ص) به دنبال علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) فرستاد و پس از آن، آنان را در زیر عبایی جمع کرد و عرض کرد «پروردگارا، اینان اهل بیت

ص: ۵۵

من هستند. رجس و پلیدی را از ایشان دور ساز و از هر جهت پاکیزه‌شان بگردان.» من (ام سلمه) گفتم ای نبی خدا آیا من با ایشانم؟ اما پیامبر (ص) به من فرمودند در جای خود باش که تو فردی عاقبت بخیری. «همان، ۵/ ۳۲۸ و ۶۲۲ و ۶۵۷»

ترمذی در روایت دیگر از قول انس بن مالک نقل کرده است (پس از نزول آیه تطهیر) پیامبر (ص) تا شش ماه به هنگام نماز صبح از کنار خانه فاطمه (ع) می‌گذشت و آنان را به این صورت برای نماز صدا می‌کرد

«الصلاه یا اهل البیت انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» «سنن ترمذی، ۵/ ۳۲۸» و مقصود رسول خدا (ص) از این تکرار آن بود که همگان بدانند «اهل بیت» مصادیقی جز علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) ندارد.

۱۱- پاداش رسالت

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

یعنی «بگو هیچ پاداشی از شما (بر رسالت) نمی‌خواهم، جز دوست داشتن نزدیکانم.»

توضیح آیه را با طرح دو سؤال آغاز می‌کنیم

ص: ۵۶

- آیا پیامبران الهی در قبال زحمات طاقت فرسای

خود- برای هدایت بشر- طالب مزد بوده‌اند؟

- آیا به فرض طلب مزد، انسان‌ها قادرند اجر و مزد پیامبران را بپردازند؟

مراجعه به آیات قرآن نشان می‌دهد که پاسخ هر دو سؤال منفی است. در سوره شعراء از زبان پنج تن از پیامبران آمده است که

وَمَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ «الشعراء، ۱۰۹؛ از زبان حضرت نوح، ۱۲۷ از زبان حضرت هود، ۱۴۵؛ از

زبان حضرت صالح، ۱۶۴؛ از زبان حضرت لوط و ۱۸۰، از زبان حضرت شعیب:» و این آیه نشان می‌دهد که نه تنها پیامبران خواهان

پاداش- به ویژه مزد مادی- نبوده‌اند که انسان نیز قادر به جبران زحمات پیامبران نیست. در آیه دیگری آمده است

«بگو من در برابر ابلاغ رسالت، پاداشی از شما مطالبه نمی‌کنم مگر آن که کسانی بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند.»

«الفرقان، ۵۷» که در این آیه رهیابی انسان به سوی کمال نوعی پاداش برای پیامبر (ص) اعلام شده است.

ص: ۵۷

اما در این میان آیه‌ای در سوره شوری وارد شده است که از مردم دعوت می‌کند که پاداش رسالت پیامبر را در نظر گرفته و آن را ادا کنند و این پاداش چیزی جز موَدّت و دوستی نسبت به ذی القربای پیامبر (ص) نیست که خداوند از رسولش خواسته است آن را به اطلاع همگان برساند.

اما مصداق «قربی» در آیه واقع در سوره شوری چه کسانی هستند؟

برخی مانند ابن کثیر با نقل سخنی از ابن عباس کلمه «قربی» را بر قریش تطبیق داده و متعزّض شده‌اند که خانواده‌ای در قریش نبود، مگر آنکه بین او و رسول خدا (ص) پیوندی برقرار بود. «تفسیر القرآن العظیم، ۴ / ۱۲۱» ابن کثیر خود کلمه «قربی» را به معنای مصدري در نظر گرفته و آیه را چنین تفسیر کرده است

«بگو ای پیامبر من در قبال رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم لکن به سبب قرابتی که بین من و شما وجود دارد، مرا آزار مکنید». «همان، ۴ / ۱۲۱» در مقابل، برخی دیگر از مفسران، مانند زمخشری و فخر رازی «القربی» را به معنای خویشان پیامبر (ص) گرفته و مصداق آن را بر علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) منطبق

ص: ۵۸

کرده اند.

زمخشری نوشته است در روایت است که چون آیه (قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) نازل شد، اصحاب گفتند ای رسول خدا، خویشان تو که مودت آنان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ پیامبر (ص) فرمود «علی، فاطمه و دو پسرشان»

زمخشری سپس به نقل حدیث مفصّلی در دوستی آل محمد (ع) می‌پردازد که با این عبارت شروع می‌شود «قال رسول الله من مات علی حبّ آل محمد مات شهیداً، الا و من مات علی حبّ آل محمد مات مغفوراً له، ...» «الکشاف، ۴ / ۲۲۰» فخر رازی پس از ذکر همین مطالب می‌گوید این عقیده زمخشری بود که از نظر گذشت. اما من معتقدم آل محمد عبارت از کسی است که امر آنها به رسول خدا (ص) باز می‌گردد و شک نیست که فاطمه، علی، حسن و حسین (ع) بیشترین تعلق و بستگی را به رسول خدا (ص) داشته‌اند و لذا است که آنان مصداق «آل» قرار می‌گیرند و در عظمت آل محمد همین بس که اولاً، آنان- یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)- خود محبوب رسول خدا (ص) بوده‌اند. پس دوستی آنها بر امت واجب

ص: ۵۹

است.

ثانیاً، آنان در تشهد نماز، در کنار رسول الله مخصوص به دعا شده‌اند که «اللهم صل علی محمد و آل محمد»، که این نیز بر وجوب حب و دوستی آنان دلالت دارد. «مفاتیح الغیب، ۱۶۶ / ۲۷»

۱۲- فضیلت انحصاری در انفاق ویژه

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صِدَقَهُ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) «المجادله، ۱۲» یعنی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ هنگامی که می‌خواهید با رسول خدا (ص) نجوا کنید (سخنان در گوشه بگویید) قبل از آن صدقه‌ای بدهید، این کار برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است. پس اگر چیزی نیافتید، بدانید که خداوند آمرزنده و مهربان است.»

این آیه به آیه نجوا معروف است. بنابر آنچه غالب مفسران- از شیعه و سنی- در تفاسیر خود آورده‌اند در بین اصحاب رسول خدا (ص) عده‌ای از ثروتمندان گاه و بیگاه خدمت رسول خدا (ص) آمده و با آن حضرت به

ص: ۶۰

نجوا می‌پرداختند. این کار علاوه بر آنکه وقت رسول خدا (ص) را می‌گرفت، موجب امتیازی برای اغنیا و نگرانی برای فقرا می‌گشت، در اینجا بود که آیه نجوا نازل گردید و به مؤمنان دستور داد که قبل از ملاقات خصوصی با پیامبر (ص)، صدقه‌ای به مستمندان بپردازند، اما اغنیا از نجوا خودداری کردند و در نتیجه صدقه‌ای هم پرداخت نکردید. تا آنکه آیه دیگری نازل گردید که (أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صِدَقَاتٍ ...) یعنی آیا ترسیدید (فقیر شوید) که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید؟ و با این آیه، آیه قبل نسخ گردید. «مجمع البیان، ۹/ ۲۵۲؛ مفاتیح الغیب، ۲۹/ ۲۷۱؛ جامع البیان، ۲۸/ ۱۵» آنچه در مورد آیه نجوا اهمیت دارد، آن است که تنها کسی که به آیه نجوا عمل کرد امیر مؤمنان علی (ع) بود. بنا بر آنچه طبری آورده است علی (ع) خود فرموده است آیه‌ای در کتاب خدا وجود دارد که احدی قبل از من به آن عمل نکرده و احدی هم بعد از من به آن عمل نخواهد کرد و آن اینکه من یک دینار داشتم و آن را به ده درهم تبدیل کردم و هر زمان می‌خواستم با رسول خدا (ص) نجوا کنم، درهمی را صدقه می‌دادم. «تفسیر طبری، ۲۸/ ۱۵؛ و نیز: الدرالمنثور، ۶/ ۱۸۵؛ معالم التنزیل، ۷/ ۲۴؛ فتح القدر، ۵/ ۱۹۱» با توجه به این حدیث، عمل به آیه نجوا یکی از

ص: ۶۱

فضایل اختصاصی علی (ع) به شمار می‌رود که از همان زمان نزول آیه بر دیگر صحابه نیز این فضیلت مخفی نماند، در اکثر تفاسیر اهل سنت از قول عبدالله بن عمر روایت شده است که او گفت علی (ع) دارای سه فضیلت بود که اگر یکی از آنها برای من حاصل می‌گشت، آن فضیلت از شتران سرخ موی برای من بهتر بود. نخست تزویج آن حضرت با فاطمه زهرا (ع)، دیگر دادن پرچم در روز خیبر به دست او و سوم آیه نجوا. «اسدالغابه، ۲۶/۴؛ مجمع البیان، ۲۵۲/۹؛ معالم التنزیل، ۴۴/۷» با وجود این، برخی از متعصبان اهل سنت کوشیده‌اند که این فضیلت را برای علی (ع) کم رنگ جلوه دهند. از جمله آنکه می‌گویند اگر بزرگان اهل صحابه اقدام به این کار (پرداخت صدقه) نکردند، نیازی به آن ندیدند و یا فرصت کافی نداشتند، یا فکر می‌کردند مبادا باعث ناراحتی فقرا و وحشت اغنیا گردد. بنابراین این کار موجب فضیلتی برای علی (ع) یا سلب فضیلتی از دیگران نمی‌گردد. «مفاتیح الغیب، ۲۷۲/۲۹»

ولی گویا این متعصبان به آیه دوم توجه نکرده‌اند که خداوند به عنوان سرزنش می‌فرماید «آیا (از فقر) ترسیدید که قبل از نجوا صدقاتی تقدیم کنید؟» علاوه بر آن در ذیل آیه، تعبیر توبه به میان آمده که از آن استفاده می‌شود

ص: ۶۲

که اقدام به پرداخت صدقه و نجوا با پیامبر (ص) کار مطلوبی بوده است و گرنه خودداری از آن سرزنش و توبه نداشت. «البیان، ۲۷۹؛ تفسیر نمونه، ۴۵۳/۲۳»

اما سرّ عمل کردن علی (ع) به آیه نجوا در این است که آن حضرت اساساً موقعیت ویژه‌ای نزد رسول خدا (ص) داشت که بنا به آن موقعیت به حضور رسول خدا (ص) رسیده و از خرمن دانش آن حضرت بهره‌ها می‌گرفت. حضرت خود در این باره می‌گوید «كنت اذا سألت رسول الله اعطاني و اذا سكتت ابتدأني» «سنن ترمذی، ۵/۵۹۵ و ۵۹۸» یعنی هرگاه من از رسول خدا (ص) چیزی طلب می‌کردم به من عطا می‌فرمود و چون ساکت می‌شدم، آن حضرت ابتدا به سخن می‌کرد. بر اساس این موقعیت، نزول آیه نجوا نیز نتوانست فترت و فاصله‌ای در برنامه علی (ع) با رسول خدا (ص) به وجود آورد و اشتیاق علی (ع) به ملاقات با رسول خدا (ص) موجب گردید که او تنها عمل کننده به آیه نجوا گردد.

۱۳- شکوه اینار

(يُوفُونَ بِاللَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا* و

ص: ۶۳

يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْرَكِينَ وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا) «الانسان، ۷-۸» یعنی «نیکوکاران به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش دامن گستر است، واهمه دارند. آنان غذای خود را با آنکه به آن تمایل (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند.»

شرح و توضیح در سوره انسان، فرازی وجود دارد (از آیه ۵ الی ۲۲) که خداوند در آن به توصیف و تکریم گروهی از نیکان امت پرداخته است. طبق این آیات، نیکوکاران به نذرهای خود وفا کرده و علی‌رغم تمایلی که به غذای خود داشته‌اند آن را به ترتیب به مسکین، یتیم و اسیری بخشیده‌اند، در زمینه این آیات- برای هر خواننده‌ای- سؤالاتی مطرح می‌شود از جمله

۱- این نیکوکاران چه کسانی بوده‌اند؟ تاریخ صحیح و روایات معتبر چه کسانی را معرفی می‌کنند؟

۲- موضوع نذر چه بوده و وفای به نذر چگونه صورت پذیرفته است؟

- این نذر در چه زمان و مکانی تحقق یافته؟ و آیا

این آیات سخن از یک امر واقعی است یا حادثه‌ای فرضی و خیالی؟

هنگامی که برای یافتن پاسخ این سؤالات به تاریخ

ص: ۶۴

مراجعه می‌کنیم درمی‌یابیم که

- این نیکوکاران کسانی جز علی و فاطمه و حسنین (ع) و کنیز آنان فضّه نبوده‌اند.

- موضوع نذر آنان انجام سه روز روزه آن هم در پی بیماری حسنین (ع) بوده و این نذر با اشاره رسول خدا (ص) صورت گرفته است.

- پس از شفای دو کودک، نیکوکاران جهت ایفای نذر خود، مشقّت سه روز روزه را بر خود هموار کرده‌اند.

- این نذر در مدینه و در اواخر حیات رسول خدا (ص) واقع شد و در نخستین روز ادای آن، سائلی به هنگام مغرب، درب خانه نیکوکاران را به صدا درآورد و تقاضای کمک کرد. اهل بیت (ع) که خود در تنگنا به سر می‌بردند، طعام مختصر خود را به آن فقیر داده و با آب روزه خود را افطار کردند. روز دوم به همین ترتیب یتیمی مراجعه کرد و مورد اطعام قرار گرفت و در روز سوم اسیری حلقه در را به صدا درآورد و از جانب نیکوکاران نیز تکرار ایثار.

در پایان این حادثه باشکوه، خدای تبارک و تعالی با

نزول آیات (إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ) به ثبت این حادثه واقعی و نه حکایت فرضی و خیالی - چنانکه عده‌ای پنداشته‌اند «مانند قرطبی در جامع الأحکام و ابو حیان توحیدی در البحر المحیط» -

ص: ۶۵

تا به همیشه پرداخت. مفسران اهل سنت این گزارش را غالباً در تفاسیر خود آورده‌اند « از جمله بنگرید به الکشاف، ۴ / ۶۷۰؛ مفاتیح الغیب، ۳۰ / ۲۴۴؛ فتح القدير، ۵ / ۳۴۹؛ انوار التنزیل، ۲ / ۵۵۲» و از شیعه نیز بزرگانی چون طبرسی « مجمع البیان، ۱۰ / ۶۱۱ الی ۶۱۴»، علامه مجلسی « بحار الأنوار، ۳۵ / ۲۳۷؛ با عنوان: فی نزول سوره هل اتی»، علامه امینی « الغدير، ۵ / ۱۸۹ و ۲۸۴» و علامه طباطبایی « المیزان، ۲۰ / ۳۶۳ الی ۳۷۰» استدلال‌های محکمی بر صحت این واقعه ذکر کرده‌اند.

۱۴- بهترین آفریدگان

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) «البینه، ۷» یعنی، «کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آنان بهترین آفریدگان‌اند.»

در این آیه «خیر البریه» به معنای بهترین خلق خداست که در مقابل «ش ر البریه» قرار می‌گیرد. مطابق روایاتی که در کتب شیعه و بسیاری از تفاسیر اهل سنت به چشم می‌خورد، مصداق «خیر البریه» علی (ع) و شیعیان او هستند. و این معرفی به وسیله رسول خدا (ص) و با نزول آیه خیر البریه تحقق یافته است.

ص: ۶۶

در این خصوص جابر بن عبدالله انصاری گوید «نزد پیامبر (ص) نشسته بودیم که علی (ع) آمد. پیامبر (ص) فرمود قسم به کسی که جانم در دست قدرت اوست، این علی و شیعیان او در قیامت رستگاران‌اند، آنگاه این آیه نازل شد که (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ). از آن روز اصحاب رسول خدا (ص) هرگاه که علی (ع) را می‌دیدند می‌گفتند «جاء خير البريه» یعنی به تحقیق که خیر البریه آمد. «بنگرید به فتح القدير، ۴۷۷/۵؛ الدر المنثور، ۳۷۹/۶؛ مجمع البيان، ۱۰؛ الغدير، ۵۷/۲؛ الميزان،

۷۵۸/۲۰؛ و نیز المراجعات، ۹۶؛ و نیز بخش تعلیقات، ۶۲، رقم ۱۱۱

«اضافه می‌شود که روایات مربوط به آیه خیر البریه و انطباق آن با علی (ع) و شیعیان وی، از طرف بسیاری از صحابه از جمله ابن عباس، حذیفه و عایشه نقل شده و از بررسی این روایات روشن می‌گردد که علی (ع) در بین معاصران خود بهترین خلق خداوند (بعد از رسول خدا (ص)) بوده و کسی از جهت فضیلت، تقوی و ... به

پای او نرسید و دیگر آنکه تعبیر «شیعه» به عنوان پیروان علی (ع)، تعبیری است که نخستین بار از ناحیه رسول خدا (ص) وضع گردید و به تدریج این تعبیر برای پیروان علی (ع) به صورت اسم خاص مورد استفاده قرار گرفت.

ص: ۶۷

۱۵- کوثر رسالت، نسل پاینده

(إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثِرَ* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ «الکوثر، ۱ الی ۳» یعنی «ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. (و بدان که) دشمن تو قطعاً بریده نسل و بلاعقب است.»

شرح و توضیح به طوری که طبرسی در شأن نزول این آیه آورده است روزی عاص بن وائل سهمی با رسول خدا (ص) در مسجدالحرام ملاقات کرده و به گفتگو پرداخت. پس از پایان سخن، جمعی از بزرگان قریش با او دیدار کردند و از وی پرسیدند با چه کسی سخن می‌گفتی؟ وی در جواب گفت با ابتر سخن می‌گفتم. مقصود او از این تعبیر، رسول خدا (ص) بود. زیرا در آن ایام پسر رسول خدا (ص) به نام عبدالله از دنیا رفته بود و عرب کسی را که پسر نداشت، ابتر (بلاعقب) می‌نامید. در این موقع سوره کوثر نازل گردید و پیغمبر (ص) را به کوثر و نعمت‌های فراوان بشارت داد. «مجمع البیان، ۱۰/ ۸۳۶»

ص: ۶۸

شأن نزول یاد شده را اکثر مفسران شیعه و سنی در تفاسیر خود آورده‌اند، هر چند که در تفسیر کوثر اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. کوثر به معنای خیر کثیر است و قطعاً موارد زیادی- از جمله قرآن، علم فراوان، نهی در بهشت، نبوت و پیامبری، نسل و ذریه، مقام شفاعت و...- وجود دارد که هر کدام به عنوان مصداقی از کوثر قابل احتمال است. ولی با توجه به شأن نزول یاد شده می‌توان گفت از آنجا که مشرکان، رسول خدا (ص) را به دلیل وفات فرزندان ذکورش (پسرش) مورد شماتت قرار داده، ابتر خطاب می‌کردند، خدای تبارک و تعالی با رد نسبت ابتر به مخالفان پیامبر (ص)، وی را صاحب کوثر اعلام نمود و به آن حضرت دستور داد که پس از دریافت این نعمت بزرگ، نماز گزارد و شتر قربانی کند. و با در نظر گرفتن این نکته ادبی که فعل ماضی «اعطینا» حکایت از

مضارع محقق الوقوع دارد، سوره شریفه کوثر متضمن دو خبر غیبی به شرح زیر است

۱- ما به تو خیر کثیر از جمله نسل و ذریه فراوان عطا خواهیم کرد به طوری که ابتر و بلانسل نباشی.

۲- ملامت کننده تو ابتر و بلانسل خواهد بود.

چنان که می‌دانیم هر دو وعده الهی تحقق یافت و

ص: ۶۹

خدای تبارک و تعالی از طریق وجود مبارک فاطمه زهرا (ع) نسل پیامبر گرامی (ص) را در سراسر عالم منتشر ساخت. چنان که از دشمنان آن حضرت نیز نسل و اثری باقی نگذاشت و یا اگر اثری باقی مانده آنها مجهول و ناشناخته‌اند.

در بین مفسران اهل سنت، فخر رازی که احتمالات زیادی در مصداق کوثر ذکر کرده است، به عنوان نخستین احتمال از قول سدی نوشته است که «در بین عرب مرسوم بود که اگر فرزند پسر کسی از دنیا رود به او ابتر می‌گفتند. چون فرزندان پیامبر (ص) در مکه موسوم به قاسم و عبدالله و نیز فرزند دیگر او به نام ابراهیم در مدینه درگذشتند، آنها گفتند که پیامبر ابتر است و جانشینی ندارد، اما خداوند با نزول این سوره مشخص کرد که دشمن پیامبر (ص) به این صفت موصوف بوده و نسل آن

حضرت تا قیامت تداوم دارد.» «مفاتیح الغیب، ۱۳۳/۳۲

« در پایان یادآور می‌شود که در قرآن کریم آیات دیگری وجود دارد که طبق سبب نزول‌های موجود و یا روایات تفسیری معتبر، با اهل بیت رسول خدا (ص) تطبیق داده شده است. اما از آن جا که هدف در تنظیم این فصل،

ص: ۷۰

رعایت ایجاز و اختصار بوده است، تنها به ذکر ۱۵ مورد از آیات قرآنی بسنده گردید و طبعاً علاقه‌مندان می‌توانند جهت اطلاع بیشتر به تفاسیر روایی و یا کتاب‌های تخصصی - که به جمع آوری آیات نازل در شأن اهل بیت (ع) پرداخته‌اند - مراجعه کنند. « از جمله بنگرید به تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العتره الطاهره از سیدشرف الدین نجفی (از علمای قرن دهم) و بررسی شخصیت اهل بیت: در قرآن به روش قرآن به قرآن تألیف دکتر ولی الله نقی پور»

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

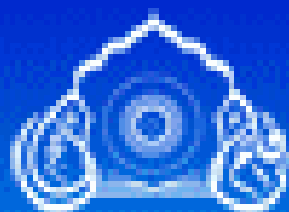
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

